

با سلام خدمت آقای شهبازی و دوستان گنج حضوری عزیز

دفتر سوم مثنوی معنوی

یافتن عاشق، معشوق را که جوینده یابنده بود

مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۴۴۸۱

سایه حق بر سر بنده بود

عاقبت جوینده یابنده بود

خداوند همیشه و در هر لحظه حواسش به بندگانست و در هر راهی که قدم بگذارند از آنها حمایت میکند
هر کس به جستجوی هر چیزی باشد چه خدا چه عشق چه آرامش چه فراوانی در دنیای مادی آخر به آن به
کمک خدا دست پیدا خواهد کرد.

مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۴۷۸۵

جمله دانند این ، اگر تو نگروی

هر چه می کاریش ، روزی بدروی

یک قاعده در جهان وجود دارد که همه آن را باور دارند هر چه که به این جهان میفرستی یک روز به تو باز خواهد
گشت اگر هر روز در راه پیشرفت معنوی خود قدم بر میداری و بیشتر خودت را میشناسی بالاخره یک روز به آن
حضور خالص دست پیدا خواهی کرد بالاخره به گنج حضور دست پیدا میکنی برای هر چیزی که وقت میگذاری
و هر ندا و فرکانسی که به این جهان میدی بالاخره صدای آن ندا به تو باز خواهد گشت و به چیزی که فرستاده
بودی دست پیدا خواهی کرد.

مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۴۷۸۷ تا ۴۷۹۱

آنکه روزی نیستش بخت و نجات

ننگرد عقلش ، مگر در نادرات

کآن فلان کس کشت کرد و بر نداشت

و آن صدف برد و ، صدف گوهر نداشت

بلعم باعور و ابلیس لعین

سود نامدشان عبادت ها و دین

صد هزاران انبیا و رهروان
نآید اندر خاطرِ آن بد گمان

این دو را گیرد ، که تاریکی دهد
در دلش ، ادبار ، جز این کی نهد؟

آن کسی که به حضور خدا به قدرت و هدایت و فراوانی خداوند دست پیدا نکرده آن کسی که به خدای خود ایمان واقعی ندارد فقط اتفاقات بد را میبیند و نا امید است در اینجا منظور مولانا از کشت، کشتهای معنوی ماست هر فکر و هر عمل و هر احساسی که ما میکنیم طبق گفته مولانا شکل گذاری میشود و به ما بر میگردد هر چه که ما بکاریم به ما بر میگردد در هر راهی که قدم بزاریم چه معنوی و چه مادی به نتیجه ای که میخواهیم میرسیم اگر بتوانیم نجوهای من ذهنیمان را کنترل کنیم و ایمان داشته باشیم. من ذهنی مثالهای نادری برای ما میآورد مانند کسی که به صدفی دست پیدا کرده اما آن صدف گوهر نداشته یا شیطان و ابلیس را مثال میزند که عباداتی داشته اند اما به نتیجه نرسیده اند این من ذهنی ابله هزاران پیغمبر و عارف را نمیبیند که عبادت‌هایشان نتیجه داد و به حضور رسیدند هزاران فرد موفق را در همین دنیای امروز ما نمیبیند که به حضور رسیدند و فراوانی درون و بیرون دارند و فقط ما را نا امید کند.

مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۴۷۹۶ تا ۴۷۹۸

این جهان پر آفتاب و نور ماه
او بهشته ، سر فرو برده به چاه

که اگر حق است ، پس کو روشنی ؟
سر ز چه بردار و ، بنگر ای دنی

جمله عالم ، شرق و غرب آن نور یافت
تا تو در چاهی ، نخواهد بر تو تافت

این جهان پر از نور است پر از عشق است پر از هدایت است پر از آرامش است پر از زیبایی است پر از فراوانی مادی است هر چیزی که ما بخواهیم چه از نظر مادی چه معنوی چه عشق فراهم است به قول مولانا گر چیز دگر خواهی آن چیز دگر آمد ولی ما سرمان را در چاه فرو کرده ایم ما با من ذهنیمان و افکار محدود کننده اش در چاه گیر افتادیم و نمیتوانیم این فراوانی را ببینیم باید من ذهنی و افکار پوسیده و محدود کننده اش را و ترس

و خشم و افسردگی و اضطراب و تنبلیمان را شناسایی بکنیم و به خداوند نشان بدهیم تا خدا مانند نجاری ماهر این من ذهنی پوسیده ما را به حضوری زیبا تبدیل کند این جهان پر از نور است از چاه بیرون بیا تا آن را ببینی.

مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۴۸۰۰ تا ۴۸۰۲

هین مگو کاینک فلانی کشت کرد
در فلان سالی ملخ کشتش بخورد

پس چرا کارم ؟ که اینجا خوف هست
من چرا افشانم این گندم ز دست ؟

و آنکه او نگذاشت کشت و کار را
پر کند کوری تو ، انبار را

ای من ذهنی انقدر پشت سر هم مثال های ناامید کننده را نیاور از افرادی که چه در راه معنوی و چه در راه مادی و چه در راه عشق موفق نشدند هر کسی به دنبال هر چیزی برود و امیدوار باشد و ایمان داشته باشد و برای رسیدن به هدفش فکر و عمل خوب و سازنده بکارد و در این راه تعهد داشته باشد عاقبت به کوری تو و به لطف خدا به هدفش خواهد رسید و فکر و اعمال سازنده اش به خودش باز خواهد گشت.

مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۴۸۰۶

ناشناسا تو سبب ها کرده یی
از در دوزخ بهشتم برده ای

ای خداوند بزرگ تو سببهایی را درست کرده ای تو مسبب اتفاقات هستی ولی ما نمیتوانیم تو را ببینیم و تو در این کار ناشناسی و با اتفاقاتی که شاید به ظاهر مانند جهنم باشند ما را به آن بهشتی که میخواهیم میرسانی تو همانند اتفاقی که برای ابراهیم افتاد آتش را برای ما تبدیل به گلستان میکنی.

مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۴۸۰۹

تو مبین که بر درختی یا به چاه
تو مرا بین که منم مفتاح راه

تو نگاه نکن که برای رسیدن به عشق و حضور و آرامش و هدایت و قدرت الهی و فراوانی مادی و معنوی در چه وضعیتی قرارداری تو به من نگاه کن که چه عظمتی دارم و میخواهم تو را در این مسیر هدایت کنم و به تو کمک برسانم.

با تشکر از همه دوستان

عباس از شیراز